

خوانشی دیگر از پروژه بازسازی کیفیت آنتن صداوسیما، سلب‌ریتی‌ها و عشق یک‌طرفه سیما و فوتبال

دخل و خرج تلویزیون جور نیست



سیدمهدی موسوی تبار خبرنگار

آنهايي که مافيا بازي کرده‌اند با اين قاعده آشنايند که نقش مافيا نبايد حرف يا کنشني داشته باشد که خودش و نيت گروهش را لو بدهد و هستند کسانی که واقعا استعداد عجيبي در مافيا شدن و پنهان کردن واقعييت دارند. استعدادی که قطعاً پيمان جبلی،

رئيس صداوسيما ندارد و از دل مصاحبه‌هايش می‌شود نکته‌های قابل توجهی پیدا کرد که واقعييت امروز تلویزیون را بهتر نشان می‌دهد. او در گفت‌وگویی که هفته پیش با خبرگزاری تسنيم داشت و می‌خواست منظورش را از عبارت «مدیر باج‌بده و باج‌بگیر» توضیح بدهد یک جمله کلیدی گفت: «به بهانه‌ای که بخواهند برای ما منابع مالی تامین کنند، نه ما زیر بار باج دادن می‌رويم، نه زیر بار باج گرفتن» به نظر می‌رسد که حرف اصلی همینجاست نه آن دعوی کذایی بر سر آمدن یا نیامدن دوتا چهره سلب‌ریتی!

صداوسيما در گیر مسائل مالی است و حالا مدیران در بين پيشنهادهایشان برای حل این مسائل، به سراغ آوردن چهره‌های مشهور رفتند. مدیران تلویزیون می‌دانند این قابی که در اختیارشان است، اگر از جذابیت‌های بصری و سرگرمی‌ساز خالی شود، مخاطبش هم کم خواهد شد و دیگر جذابیتی برای بخش‌های بازرگانی نخواهد داشت و در آینده نزدیک، بحران ورشکستگی بر سر سازمان چاق صداوسيما آوار خواهد شد. تلویزیون در چند سال اخیر، بنا بر دلایلی که گفتنش

شرح مستوفایی دارد، آرام‌آرام روند کاهش کیفیت و به تبع آن کاهش مخاطب را در پیش گرفته و حالا مثل گذشته‌های نه‌چندان دور، بستر وسوسه‌کننده‌ای برای تبلیغ بنگاه‌ها و برندهایی اقتصادی نیست. آن تامین منابع مالی که پیمان جبلی به آن اشاره دارد هم از همینجا می‌آید. جبلی به خاطر پایبندی به همان ایده‌های برنامه‌سازی تیمش، می‌گوید برای جذاب شدن آنتن حاضر نیست به کسی باج بدهد اما از سوی دیگر واقعييت هم پیش روی او و سازمانش قرار دارد که تامین منابع مالی به این

سادگی‌ها نیست و با خیال‌پردازی محقق نمی‌شود. تا دو، سه سال قبل، تلویزیون برنامه‌های متنوع و پرمخاطبی داشت و فارغ از نقدها و ایرادهای محتوایی به هرکدام‌شان، محلی معتبر برای جذب سرمایه بودند. این برنامه‌ها امکان مناسبی برای پر کردن خزانه تلویزیون فراهم می‌کرد اما حالا کدام برنامه تلویزیون را سراغ دارید که قدر و اندازه جذابیتی همچون عصر جدید، خندانانه یا دورهمی را داشته باشد. تنها چیزی که برای تلویزیون باقی‌مانده پخش فوتبال است!

برنامه‌سازی با کدام بودجه؟

برای پیمان جبلی، رئیس صداوسيما از همان روزهای شروع ماموریتش، مساله منابع تامین بودجه سازمان صداوسيما موضوعیت داشت. جبلی آردماه ۱۴۰۰ در اظهاراتی جالب توجه تامین بودجه صداوسيما از طریق آگهی بازرگانی را بی‌معنا دانست و گفت: «اساساً تلویزیون حاکمیتی که صداوسيما یکی از مصادیق آن است، نباید برای تامین نیاز هزینه‌ای و بودجه‌ای خودش، نیازمند به پخش آگهی باشد. اگر با تلویزیون‌های حاکمیتی مقایسه کنید می‌بینید که هیچ کدام وابسته نیستند.»

رئيس صداوسيما در ادامه اظهاراتش به همان مشکل هميشگی سازمانش اشاره کرد و گفت: «صداوسيما هميشه در وضعیتی بوده که توازن بين هزینه‌هايش و درآمد‌هايش به‌عبارتی بودجه‌اش متوازن نبوده است، بنابراین ناچار بوده، درآمد خودش را از طریق پخش آگهی تامین کند.» او در ادامه آرزویش برای سازمان تحت‌امرش به زبان می‌آورد: «ان‌شاء‌الله از اینکه آگهی به‌عنوان وسیله تامین درآمد و تامین نیاز سازمان صداوسيما باشد به‌سمتی حرکت خواهیم کرد که آگهی را متناسب با ماموریت فرهنگی پیش ببرد.» البته این آرزوی جبلی همچنان محقق نشده است اما در همان اظهارات دو سال قبلیش، برای تامین هزینه‌ها، روی بودجه دولتی حساب ویژه‌ای باز کرده و گفته بود: «ان‌شاء‌الله تلاش خواهیم کرد که اولاً سهم بودجه سازمان صداوسيما را در بودجه دولتی و همکاری که باید با دولت و مجلس اتفاق بیفتد انجام دهيم. ثانياً روش‌های متنوع دیگری را برای افزایش درآمد صداوسيما به وجود بياوريم تا نیاز اجباری ما به پخش آگهی کمتر شود و آگهی در راستای هدف فرهنگی ما تهیه، تولید و پخش شود.»

این تلاش برای تامین بودجه دولتی سازمان صداوسيما بی‌نتیجه نماند و با تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۲، بودجه اختصاص داده شده به سازمان صداوسيما، رقمی بیش از هفت هزار و ۵۳۱ میلیارد تومان بسته شد. بررسی جداول بودجه نشان می‌دهد این افزایش در بودجه صداوسيما در سال ۱۴۰۲ بیش از ۴۲ درصد نسبت به سال گذشته است. این مبلغ درحالی به سازمان صداوسيما اختصاص داده شده که در بودجه سال ۱۴۰۱ بودجه ابتدایی، ۵ هزار و ۲۸۹ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود. همچنین در سال ۱۴۰۰ سهم سازمان صداوسيما برای تولید برنامه‌های صوتی و تصویری از بودجه پیشنهادی، معادل ۲ هزار و ۶۱۹ میلیارد تومان بود. رقم حدودی هشت هزار میلیاردی برای سازمان صداوسيما در لایحه بودجه ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که سهم این سازمان به مراتب و در مقایسه با دو سال گذشته افزایش داشته است. اما آیا این افزایش بودجه دولتی، توانسته آن آرزوهای رئیس صداوسيما برای کم شدن وابستگی سازمان به پخش آگهی‌های تلویزیونی را کم کند یا بتواند کیفیت برنامه‌ها را بهتر کند. قضاوت با شماست که این روزها ببینند برنامه‌های تلویزیون هستند.

یه فوتبال بود، دیگه هیچی نبود

در سال ۱۴۰۰ در روزنامه «فرهنگینگان» گزارشی منتشر کردیم با عنوان «مورد عجیب درآمد‌های پخش فوتبال» با موضوع پیگیری حق پخش تلویزیونی باشگاه‌های فوتبال. در سال قبل نیز گزارش دیگری با تیترا «فوتبال؛ معدن طلای تلویزیون» در روزنامه چاپ شد که البته واکنش روزنامه رسمی سازمان صداوسيما را هم به دنبال داشت. یکی از کلیدواژه‌های پرتکرار صداوسيما و اهالی فوتبال در چندسال اخیر «حق پخش تلویزیونی» بوده و همچنان هست. مساله‌ای که انگار در کشورهای صاحب لیگ‌های مهم اروپا و حتی آسیا هم حل شده اما اینجا همچنان یکی از چالش‌های مهم روز است. اجازه بدهید به بخش دیگری از این مساله برويم، به جز لیگ برتر خودمان، لیگ‌های مهم دیگری مانند انگلیس، آلمان و اسپانیا هم شروع شده‌اند. اجازه بدهید اول هفته اول لیگ برتر انگلیس شروع کنیم؛ جایی که تلویزیون، بازی نیوکاسل و آستون ویلا را با حضور یک مجری و سه کارشناس روی آنتن برد. پخش مستقیم بازی‌های پنج تیم اول انگلیس در سال‌های گذشته یک روال بوده و به جز موارد استثنائی فرهنگی و اعتقادی، تمام این بازی‌ها روی آنتن می‌رفت. زمان قبل از این بازی‌ها و بعد از آنها با بحث‌های کارشناسی و البته پیام‌های بازرگانی تامین می‌شد و به همین طریق، کنداکتور شبکه‌های تلویزیون پر می‌شد.

اینجا ذکر دو نکته از اهمیت بالایی برخوردارند؛ اول اینکه میزان شناخت و حساسیت نسبت به ماجرای حق پخش تلویزیونی نسبت به دو سال قبل و دو گزارش قبلی به مراتب بیشتر شده است. حالا دیگر تماشاگران می‌دانند اگر باشگاه محبوب‌شان نمی‌تواند بازیکن ستاره و حتی معمولی بگیرد، به جز بی‌کفایتی برخی مدیران‌شان، به عدم پرداخت میزان واقعی حق پخش تلویزیونی هم ارتباط مستقیم دارد. آنها با حقوق‌شان و موارد قانونی آشنا شده‌اند و البته با کشورهای همسایه و اطراف خودمان هم مقایسه می‌کنند و به نتایج تلخی می‌رسند. اینکه چرا مفهوم حق پخش تلویزیونی نسبت به دو سال قبل و حتی سال قبل دچار اهمیت و البته شفافیت بیشتری شده، فقط به میزان شناخت تماشاگران فوتبال برمی‌گردد. تلویزیون در این دو سال چنان عملکردی داشته که حالا فوتبال نه به‌عنوان یکی از برنامه‌های پرطرفدار سیما که تبدیل به تنها برنامه با مخاطب بالای این قاب جادویی شده است. دور نیست روزگاری که بازی‌های فوتبال در کنار سریال‌های جذاب شبانه، «خندانانه»، «عصر جدید»، «دورهمی» و... یکی از برنامه‌های موفق و جذاب تلویزیون بود. به گذشته‌های دورتر می‌شود. در اوایل دهه ۸۰ تا اوایل دهه ۹۰، زمان بازی‌های فوتبال که مخاطبان، سریال‌های شبانه را از دست ندهند. حالا تلویزیونی به‌خاطر بازی‌های فوتبال اصلاً پخش نمی‌شوند و آب از آب تکان نمی‌خورد.

که برگردیم ماجرا برابمان تراژیک‌تر را جوری تنظیم می‌کردند اما سریال‌های

اختیار هوا با تلویزیون نیست

درباره اینکه چرا تلویزیون به این نقطه رسیده است بسیار نوشته و گفته‌اند. به مدیریتی که یکی از موارد تهاوش در ارائه گزارش‌ها، کاهش پخش بازی‌های باشگاهی خارجی باشد چگونه می‌توان از ارزش پخش بازی‌های فوتبال و پرداخت حق پخش تلویزیونی گفت. حتماً باید سقوط‌شان را با چشم خودشان می‌دیدند و همین که بعد از دو سال به این نتیجه رسیده‌اند که حتی بازی‌های لیگ برزیل و آرزانتین را هم به‌صورت زنده پخش کنند جای شکر دارد و نوعی اعتراف به اشتباه محسوب می‌شود. فوتبال برای تلویزیون حالا تبدیل به اکسیژن شده است و بدون آن حتماً نمی‌تواند زنده بماند. مساله اصلی اینجا است که دیگر اختیار کامل همین اکسیژن را هم ندارد. افراد و عوامل مختلفی می‌توانند این هوا را از او بگیرند و نابودی‌اش را رسماً فریاد بزنند. پیش از این بارها گفتیم که تلویزیون بدون رقیب به نفع رسانه ملی نیست اما هیچ‌گوشی بدهکار نبود. به نوع و فرم پخش بازی‌های دو هفته ابتدایی لیگ برتر ایران دقت کنید. آن را با نمونه‌های خارجی مقایسه کنید. نتیجه معلوم است و البته عذاب آور. اگر کارگردان‌های محترم تهرانی و خارج از تهران بازی‌ها می‌دانستند که اگر خوب کار نکنند جایشان را به دیگری می‌دهند، سلیقه و دقت بیشتری به خرج می‌دادند. فراتر برويم، اگر شبکه‌های تلویزیونی می‌دانستند که رقیب یا رقیبایی دارند که همین بازی‌ها را با کیفیت ظاهری و صوتی و داده‌های تصویری بالاتری پخش می‌کنند باز هم به همین شیوه فعلی ادامه می‌دادند؟ دور نیست زمانی که تلویزیون از مردم خواهش کند و در بیلبوردهای خیابان‌ها از مخاطبان بخواهد که فوتبال را از شبکه‌های تلویزیونی سیما تماشا کنند. به نظر تان مثال و ادعای دوری است؟ بیلبوردهای تلویزیونی برای سریال‌های «گیلدخت» و «سوران» را که یادتان نرفته است. اینکه پلتفرم‌ها با باشگاه‌ها قرارداد ببندند و انحصار امتیاز پخش بازی‌های یک فصل را خریداری کند و مشتریان این پلتفرم‌ها هم با خرید اشتراک، بازی‌ها را از این طریق تماشا کنند به‌طور عادی راه سختی نیست. داستان صداوسيما و فوتبال «یکی داستان است پر آب چشم» که حالا به جایی رسیده که یک فوتبال بود و دیگه هیچی نبود.



چارسو

سریال حادثه شاهچراغ به پیش تولید رسید

مهدی نقویان، رئیس مرکز سیمافیلم در برنامه «نقد سینما» درباره تولیدات سیمافیلم گفت: «سیمافیلم در دوران تحول به ژانر تاریخی قبل از حضور من در این موسسه ورود کرده و در حال حاضر کارهایی در دست تولید است. درحقیقت تنوع ژانری در حوزه سریال‌سازی را داده و شاید بتوانم بگویم هم‌اکنون ۱۱ یا ۱۲ کار در دست داریم. ما از نقد منصفانه استقبال می‌کنیم و به دنبال این هستیم که برنامه‌ای شبیه «نقد سینما» با عنوان «نقد سریال» تولید کنیم که آثار خودمان را نقد کنیم.» وی افزود: «در جریان سریال‌سازی یرمبنای تاریخ ما سریال «آتش و باد» را داشتیم که روی آنتن رفت. همچنین پخش سریال «عاشورا» نیز از امشب آغاز شده و به‌زودی سریال «رحیل» روی آنتن می‌رود.» نقویان یادآور شد: «تلویزیون همیشه بدهکار به آنتن و آنتن همیشه جلودار تولید بود. این مساله همیشه در کیفیت کار اختلال ایجاد می‌کرد و کار بدون بازبینی به پخش می‌رسید و به همین دلیل آنتن تلویزیون دچار اختلال می‌شد.» او در ادامه گفت: «ما به خیلی از اتفاقات روز توجه نمی‌کنیم. البته درباره حادثه تروریستی شاهچراغ نیز مینی‌سریال و اثری سینمایی قرار است تولید شود که هم‌اکنون در مرحله پیش تولید است.»

فیلم سینمایی «بی‌رویا» هم قاچاق شد

بی‌رویا، نخستین ساخته سینمایی آرین وزیردفتری، از فیلم‌های اجتماعی مهم در نوبت اکران به شمار می‌رفت اما به سرنوشت «برادران لایلا» و «تفریق» دچار شد و نسخه غیرقانونی‌اش از طریق کانال‌ها و وب‌سایت‌های غیر قانونی دانلود فیلم در دسترس قرار گرفت. سعید سعدی، تهیه‌کننده این فیلم در گفت‌وگو با ایسنا در واکنش به قاچاق این فیلم سینمایی گفت: «این فیلم مشکلی برای اکران عمومی نداشت و از دو ماه قبل قرارداد اکران آنلاین آن با پلتفرم فیلمو بسته شده و نمی‌دانم چرا این قرارداد معطل مانده است.» او بسا بیان اینکه اطلاعی ندارد که فیلم چطور قاچاق شده، تاکید دارد که پیگیری‌هایی را انجام می‌دهد و در عین حال اضافه کرد: «بی‌رویا فقط در چند جشنواره خارجی نمایش داده شده و قرار است نسخه قانونی این فیلم به‌زودی وارد چرخه اکران آنلاین شود.» بی‌رویا ازجمله فیلم‌هایی بود که مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم آن را در کنار چند فیلم دیگر «حساسیت‌برانگیز یا متوقف‌مانده» عنوان کرده بود ولی با این حال پروانه نمایش آن صادر شد تا فیلم سال گذشته راهی جشنواره ونیز شود.

تجلیل از استاد عبدالمجید ارفعی در کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی

یکی از رسالت‌های محوری کمیته فرهنگ و تمدن اسلام ایران، تکریم و تجلیل شخصیت‌ها و مشاهیر ممتاز ایران‌زمین است که در طول حیات خویش از هیچ کوششی جهت اعتلای فرهنگ و تمدن این سرزمین دریغ نکردند. بر این اساس بسا تاکید و حمایت دکتر علی‌اکبر ولایتی، رئیس کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به شناسایی افراد شاخص و درخشان کشور اقداماتی صورت پذیرفت که از آن جمله دعوت از استاد عبدالمجید ارفعی جهت تشریح فعالیت‌ها و دستاوردهای وی و همچنین تجلیل از شخصیت علمی و اثرگذار ایشان بود. استاد عبدالمجید ارفعی ایلام‌شناس برجسته جهانی، یکی از آن چهره‌های درخشان حوزه تمدنی ایران باستان است که آثار و خدمات گسترده ایشان در غبارروبی از دیرینه‌شناسی تمدن کهن ایران از طریق ترجمه الواح گلی تخت جمشید و شوش باستان و انتشار این آثار بی‌نظیر حوزه تمدنی ایلام بسیار حائز اهمیت است. ازجمله خدمات ایشان گردآوری گنجینه بی‌شماری از مجلات، مقالات و کتاب‌های گوناگون درباره تاریخ ایران و جهان و گل‌نوشته‌ها و خط‌های خوانده‌شده است که در پژوهشکده علوم انسانی نگهداری می‌شود. تالار کتیبه‌ها در موزه ملی ایران بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ توسط او ساخته و آماده شد. بسیاری از لوح‌های گلی تخت جمشید و متن‌های حقوقی بین‌النهرین

از روی کتیبه‌های تاریخی با تلاش استاد ارفعی ترجمه شده است. این الواح شهرتی جهانی دارد و به شناخت اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران عصر هخامنشیان کمک زیادی کرده است. عبدالمجید ارفعی سابقه همکاری با بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد و بنیاد پژوهشی شوش را در کارنامه خود دارد. همکاری او با بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد منجر به خوانده شدن کتیبه‌های خزانه تخت جمشید شد. وی نخستین ترجمه فارسی فرمان کوروش بزرگ (منشور کوروش) را از روی مولاژی از اصل منشور انجام داد. براساس پیشنهاد عبدالمهدی مستکین، عضو کمیته اجرایی کنگره بین‌المللی جندی‌شاپور و همراهی دبیر کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، نوید ادهم و سایر اعضا مقرر شد به پاس خدمات بیش از ۶۰ سال ایشان به فرهنگ و تمدن ایران‌زمین، مراسم تجلیل و تکریم این بزرگ در دستور کار قرار گیرد. این مراسم در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ در جلسه کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و با حضور محمدرضا مخبر ذرفولی، رئیس فرهنگستان علوم و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار و مطابق مصوبات این کمیته مقرر شد تلاش‌هایی در جهت حفظ آثار و تجربیات گرانبهای استاد ارفعی و سایر فعالیت‌های مرتبط با الواح گلی پیگیری و عملیاتی شود.